

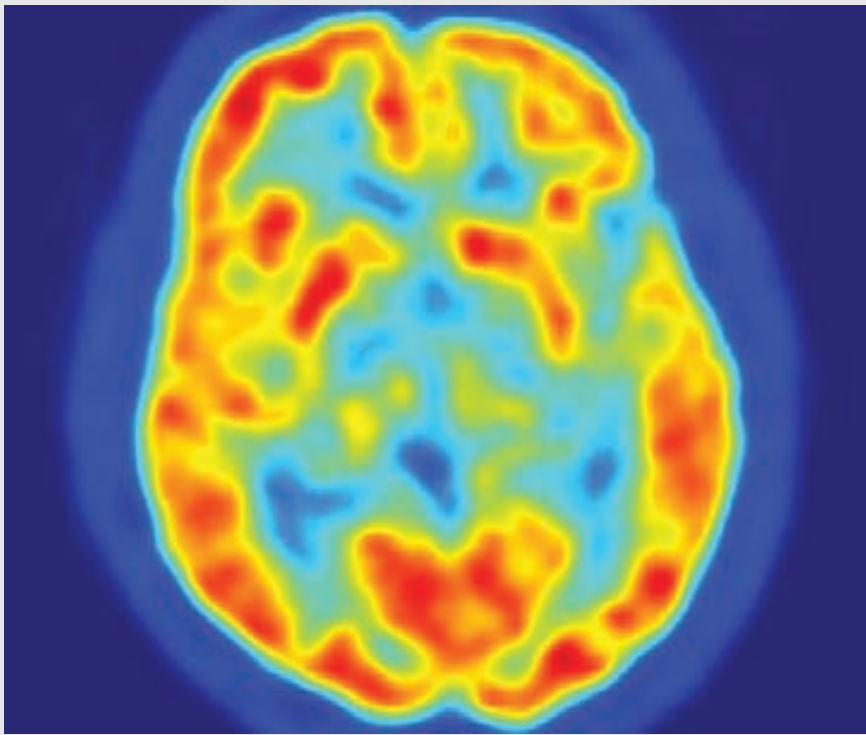


درس اول: انسان‌ها برای مقابله با بی‌عدالتی‌ها

هزینه‌های بالایی می‌پردازند

تجربه‌های آزمایشگاهی در بیش از ۳ دهه گذشته نشان می‌دهد که انسان‌ها آماده مقابله با بی‌عدالتی هستند، حتی با وجود صرف هزینه‌های سنگین و گزاف. این اصل پایه بحث بیولوژیکی (زیست‌شناسی) ماست. مطالعات ۱۰ ساله‌ای که با استفاده از تصویربرداری و بررسی مغز انسان انجام شده است نشان می‌دهد که فعالیت عصبی انسان به خصوص در منطقه «قشر عالق» (کور تکس اینسولا)، نشان دهنده میزان دقیق بی‌عدالتی در تعاملات اجتماعی است. برای درک بیشتر به این مثال بازی «اتمام حجت-ultimatum game» دقت کنید. فرض کنید یک نفر مقداری پول دارد؛ به عنوان مثال ۱۰ دلار و پیشنهاد می‌شود که آن را با نفر دوم قسمت کند. فرض کنید ۹ دلار برای خودش نگه دارد و یک دلار را به دیگری پیشنهاد می‌کند. اکنون نفر دوم مختار است که این پیشنهاد را قبول کند (که در این صورت هر دوی آن‌ها این تقسیم‌بندی را می‌پذیرند) یا آن را رد کند (که در این صورت چیزی نصیب هیچ کدام نمی‌شود). با وجود این که این پیشنهاد برای دریافت یک پول رایگان (بدون هزینه) است اما [آزمایش‌ها ثابت کرده که] نفر دوم پیشنهادهایی که کمتر از ۲۵ درصد پول را شامل باشد را رد می‌کند. در واقع، بی‌عدالتی دارای ارزش منفی است که بر ارزش مثبت آن پول (رایگان و بدون زحمت) می‌چربد. این بررسی‌ها حتی روی برخی دیگر از پستانداران هم انجام شده که نتیجه آن رد بی‌عدالتی بوده است. مثلاً در یک نمونه که روی ۲ میمون مشابه انجام شد، هر دوی آن‌ها برای کار مشابهی آموزش دیدند اما در مقابل انجام آن کاری یک میمون به عنوان پاداش انگور قرمز شیرین دریافت می‌کرد و دیگری خیار، در پاسخ به این بی‌عدالتی آشکار، میمونی که خیار دریافت می‌کرد آن را دور می‌انداخت. این انگیزه برای مقابله با بی‌عدالتی و تحقیر ناشی از آن، می‌تواند به طور عمیق‌تر در مناسبات و تصمیم‌های ملی هم اتفاق بیفتد. در سال ۱۹۵۱، محمد مصدق نخست‌وزیر ایران نابرابری و بی‌عدالتی در قرار داد مشترک نفتی با انگلیس را رد کرد و به دنبال ملی شدن صنعت نفت ایران رفت. حتی به قیمت اقدامات تلافی‌جویانه انگلیس. انگلیس بر خرید نفت ایران تحریم‌هایی تحمیل کرد که به ورشکستگی خزانه ایران منجر شد و در نهایت هم در کودتای سال ۱۹۵۳ که توسط «سی. آی. ای» و «ام. آی. ۶» انجام شد، مصدق باقی‌مانده عمر خود را در زندان گذراند. شش دهه بعد، این انگیزه در مقابله با بی‌عدالتی توسط ایرانی‌ها در برنامه هسته‌ای آن‌ها ظهور کرده است. برنامه‌ای که به ظاهر جاه‌طلبی است و بسیار بیشتر از نیاز واقعی آن‌ها به نظر می‌رسد. آن‌ها امروز به این برنامه به عنوان یک مسئله اساسی در دفاع از امنیت ملی و یکپارچگی و حقوق کشورشان فکر می‌کنند نه فقط یک برنامه هسته‌ای...

«حسین موسویان» مذاکره‌کننده هسته‌ای سابق ایران در مصاحبه با شبکه «ان. بی. سی» تصریح کرد که «اگر شما می‌خواهید درباره موضوع هسته‌ای صحبت کنید من می‌گویم که تحمل این فشارها ارزش آن را ندارد اما امروز موضوع هسته‌ای برای ایرانیان در حقیقت دفاع از یکپارچگی و اتحاد آنان و هویت مستقل در برابر فشار از بقیه است.» با این حال تهران در این زمینه سوالاتی دارد. آن‌ها می‌پرسند که آیا ۶ کشور که ۵ تای شان در مجموع دارای چندین هزار سلاح‌های هسته‌ای هستند باید شرایطی را به ایران دیکته کنند؟ چرا کشورهایی مانند هند و پاکستان بدون امضا کردن پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) مخفیانه سلاح هسته‌ای



مقاله‌ای درباره رابطه «علم عصب‌شناسی» با پرونده هسته‌ای ایران و توافق ژنو

«علم عصب‌شناسی» و «توافق ژنو»

منبع: www.theatlantic.com

ترجمه: امیر حسین یزدان پناه

تصور کنید به شما گفته می‌شود هر کاری که دیگران انجام می‌دهند را شما نمی‌توانید انجام دهید» این جمله را محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران در ماه نوامبر ۲۰۱۳ (آبان ۹۲) طی یک پیام‌ویدئویی در حمایت از برنامه هسته‌ای این کشور مطرح کرد. پیامی که همراه با جدیت و ناراحتی بود. او در این پیام می‌پرسید: «آیا شما عقب می‌نشینید؟ آیا شما منصرف می‌شوید؟ یا این که محکم سر جای خود می‌ایستید؟»

در حالی که فقط ۱۴ کشور، با احتساب ایران، توانایی غنی‌سازی اورانیوم را دارند، این پیام ظریف درست در بحبوحه مذاکرات اتمی که برای توافق هسته‌ای پیش‌رو بود، اشاره به مذاکراتی که قرار بود واسطه آبان ۹۲ انجام شود و در نهایت به کارشکنی فرانسه انجامید [این سوال را در اذهان عمومی تقویت کرد که: چرا دولت ایران با این که جمعیت این کشور تحت شدیدترین رژیم تحریم‌هایی طاقت‌فرسا در تاریخ معاصر قرار دارد اما این کار (غنی‌سازی) را ادامه می‌دهد؟

در واقع، این طور تخمین زده می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران به یک سال غنی‌سازی برای تولید مواد لازم ساخت بمب اتمی نیاز دارد اما این زمان در صنایع اروپا فقط ۵ ساعت است! بسیاری به این سوال چنین پاسخ می‌دهند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است (چیزی که خیلی قبل‌تر به آن دست پیدا کرده است) حتی اگر هنوز سلاح هسته‌ای نداشته باشد. با این وجود برای توضیح دادن درباره انگیزه ایران برای داشتن فناوری هسته‌ای چارچوب‌های متعددی وجود دارد؛ مانند ژئوپلیتیک، ایدئولوژی، ناسیونالیسم، سیاست‌های داخلی و احساس تهدید که باعث می‌شود مفسران به نتایج مختلفی برسند. آیا ایران سلاح هسته‌ای را برای تسلط بر خاورمیانه می‌خواهد یا به آن برای دفاع از خود در برابر تهدیدهای دور و نزدیک نیاز دارد؟ در حالی که نمی‌توان فقط یک پاسخ برای این رفتار تهران بیان کرد اما اگر یک موضوع مشترک وجود داشته باشد که همه این چارچوب‌های موجود را به هم وصل کند، کمک می‌کند که تفکر ایرانی‌ها برای مارو شدن شود و در این راه آن‌چه این‌ها را به هم وصل می‌کند مطالعه سیستم «مغز» انسان است. اگر چه علوم اعصاب را نمی‌توان از فرهنگ، تاریخ و جغرافیا جدا کرد، اما در «شرق‌شناسی» برای مغز کاری نشده است. زیست‌شناسی پایه‌ای نشان می‌دهد که انگیزه‌های اجتماعی در توکیو، تهران، و تنیسی یکسان هستند. این نکته باعث این پیش‌بینی می‌شود که چگونه غرایز طبیعی مغز در مقابله با بی‌عدالتی‌هایی می‌تواند مانعی در برآوردن خواسته‌های ذاتی باشد و اینکه تلاش برای رعایت کردن انصاف و عدالت (ورودی بی‌عدالتی‌ها) چگونه می‌تواند به یک ترازوی بینجامد. این به ما می‌گوید که حرکات واقعی آشتی‌جویانه تا چه اندازه محتمل‌تر و نیز طبیعی‌تر از چیزهایی هستند که بسیاری به آن اعتقاد دارند و این که چطور می‌توان تیپ‌های آشتی‌جویانه خود را موثرتر از بقیه نشان دهیم.

۴ درس که در ادامه می‌آید، درس‌هایی است از «علم عصب‌شناسی» که می‌تواند به ما کمک کند که چطور می‌توان موانع رسیدن به یک توافق هسته‌ای با ایران را از میان برداشت. این درس‌ها همچنین به چالش‌های بسیار بزرگی که بر سر راه دست یافتن به توافق جامع و فراگیر با ایران وجود دارد می‌پردازد.